

بسم الله الرحمن الرحيم!

بی بندوباری های جوانان در نبود قوانین بازدارنده

(ترجمه)

چیره‌دستان در کانال‌های ارتباط جمعی سودان، ویدیویی رسوایی از یک زن و مرد جوان در نزدیکی پلی در خرطوم، پایتخت سودان را به اشتراک گذاشتند. این ویدیو که در طی چند ساعت به طور گسترده پخش می‌شود، باعث ایجاد سر و صدا و محکومیت گسترده در سایت‌های ارتباط جمعی شد. زیرا عمل این دو جوان مغایر ارزش‌ها، آداب و رسوم حاکم در سودان بود. چندی پیش نیز یک مرد و زن جوان؛ درحالی که یک‌دیگر را می‌بوسیدند، عکس سلفی گرفته و در سایت‌های ارتباطی منتشر ساختند، نشر این تصویر نیز باعث بروز آشفتگی و سر و صداهای بسیاری شد. بنابراین، پرسش این است که آیا سر و صدای‌های موجود در سایت‌های ارتباطی کدام کمکی می‌کنند؟ درحالی که ارزش‌ها و رسوم ایده‌آل؛ هم‌چنان با اتخاذ سیاست‌های آزادی و آزادسازی، بدون هیچ مانعی در خیابان‌های عمومی در حال تلف شدن است و این که چاره‌ای از دیدگاه دین و مذهب این سرزمین چه گونه می‌باشد؟

اگرچه این فعالیت‌ها و اعمال شنیع و بحث‌برانگیز به دور از اصالت مردم سودان است؛ اما بروز این چنین اعمال از سوی جوانان در حال افزایش است. زیرا قانون نظم عمومی که حاوی مواد کیفری واضح و روشن بوده و هرگونه مرتکب اعمال متناقض اخلاق عمومی را به طور شامل و کامل مورد پیگرد قرار می‌داد، ملغی قرار گرفته است. غرب همواره از نظام قبلی و کنونی این سرزمین در خواست لغو این قانون را داشت؛ اما این نظام‌ها که همواره در پشت رضایت غرب می‌دوند، اغلب این چنین قوانین را فقط بر روی کاغذ نگهداری کرده و بدون استفاده قرار می‌دهند. اما پس از این که این قانون توسط دولت انتقالی ملغی گردید، دامنه پیامدهای آن گسترش بیش‌تری یافت، تا جایی که همه رفتارهایی که منافی حیاء بوده و حرمت‌ها را نقض می‌کرد، در بین جامعه به حد کافی شیوع پیدا کرده است، با وجود تلاش‌های جامعه و مقاومت آن در برابر این رفتارها. همان اتفاقی که با دختری در خیابان دانشگاه جهانی آفریقا افتاد، دختری که لباس‌های تنگ می‌پوشید، تا جایی که مردم به آن اعتراض کرده و آن را مجبور به پایین شدن از مسافربری عمومی نمودند. چیزی که ایستادگی و مقاومت عموم را در برابر ازهم‌گسستگی جامعه و عدم نظم و انضباط نشان می‌دهد.

آن‌چه در این روزها می‌گذرد، درد، غم و اندوه بزرگی برای یک مسلمان باغیرت نسبت به دین‌اش پدید می‌آورد، وقتی به وضعیت بعضی از فرزندان مسلمان نگاه می‌کند که از فرامین الله سبحانه روی گشاندند و از سبک زندگی جامعه فاسد غربی تقلید می‌کنند. بلی، به لزوم دید فرهنگ و نظام‌های سرمایه‌داری غربی که توسط حکام خاین بر جامعه تحمیل شده و در قانون اساسی در بدل محافظت از جامعه در برابر این آزادی‌های پلید، از خود آزادی‌ها حمایت می‌گردد، برخی از جوانان را بی‌رنگ، بی‌مزه و بی‌بوی می‌سازد. دولت نخستین پاسخ‌گو در زمینه است که متأسفانه به دلیل رغبت بیش از حد آن به سکولاریسم و علاقه شدید آن به مبارزه با هر آن‌چه که مربوط به اسلام است، در زمینه از خود هیچ تحرکی نشان نداده است... علی‌رغم این هرج و مرجی که

نتیجه گسترش آزادی‌ها توسط دولت می‌باشد، جوانان را طوری می‌یابیم که رفتارشان با افکار و مفاهیمی گره خورده که آن‌ها را در زندگی حمل می‌کنند. بنابراین، جوانانی که به (آزادی شخصی) اعتقاد دارند، رفتار و سلوک منحرفی را بر می‌گزینند؛ البته با تفاوت بسیار با سلوک و رفتار کسانی که (به مقید بودن به حلال و حرام) اعتقاد دارند، که با وجود نبود نقش دولتی که افتخارانه طبق معیارها و قناعت امت و بدون هیچ پروایی به آن چه در جامعه شیوع یافته است، این آزادی‌های سکولاری را به دیوار بکوبد! این دسته از جوانان الحمدالله که بسیاراند.

الله سبحانه و تعالی تنظیم روابط جامعه را بر ذمه دولت فرض قرار داده است؛ همان‌گونه که روابط افراد را طبق یک دسته از مقررات خاص تنظیم نموده است. روابط زنان با مردان را به طور طبیعی، به گونه‌ای که ناحیه روحی اساس آن و احکام شرعی استاندارد و مقیاس آن بوده، تنظیم کرده است، احکامی که موازین نهفته در آن ارزش‌های اخلاقی را پدید می‌آورد. این نظام، نظام اجتماعی اسلام است، نظامی که دولت اسلامی، مبتنی بر مسئولیت ناشی از فرضیت مراقبت از رعیت و به انگیزه فردی تقوی الله سبحانه و تعالی، آن را تطبیق می‌نماید. نظام اجتماعی که به مردان و یا زنان، به عنوان انسانی نگاه می‌کند که دارائی غریز، احساسات، تمایلات و عقل می‌باشد. مبتنی بر این نگاه به انسان اجازه می‌دهد که از لذت‌های زندگی لذت ببرد و تا توان دارد از آن سهم بیش‌تری کسب نماید؛ لیکن به گونه‌ای که از جامعه و اجتماع محافظت گردیده و منجر به نیروی کارا برای انسان در میدان تلاش برای رسیدن به سعادت و خوشبختی شود. نظام اجتماعی اسلام، یگانه نظام اجتماعی صحیح است، فرض بر این که اکنون یک نظام اجتماعی غیر از آن وجود دارد. اما باید گفت که این تنها نظام اجتماعی اسلام است که غریزه جنسی انسان را برای بقاء نوع انسانی مورد اعتبار قرار داده و روابط مردانگی و زنانگی را بین زن و مرد به طور دقیق سامان می‌دهد، به گونه‌ای که غریزه را محدود می‌سازد تا فقط مسیر طبیعی خود را بپیماید، تا بر هدفی برسد که الله سبحانه و تعالی آن را به خاطر آن هدف در انسان آفریده است و در عین حال روابط جنسی بین زن و مرد را نیز سامان می‌دهد. نظام اجتماعی اسلام تنظیم روابط مردانگی و زنانگی را بخشی از سامان‌دهی روابط میان آن‌ها قرار داده است؛ طوری که همکاری بین زن و مرد را در حین کنار هم قرار گرفتن تضمین کند، همکاری که در نتیجه آن خیر اجتماع و فرد را در پی دارد. در عین حال، ارزش اخلاقی را پدید آورده و آن آرمان عالی، خشنودی الله سبحانه و تعالی را به وجود آورد. مسیر روابط میان زن و مرد، پاکیزگی و تقوی چیزی می‌باشد که طریقه روابط میان این دو جنس را در زندگی تثبیت می‌نماید؛ طوری که اسالیب و وسائل زندگی به هیچ وجه با این طریقه تضاد ندارد.

اسلام رابطه زن و مرد را با ازدواج محدود کرده و هر پیوند دیگری که ناشی از رابطه جنسی میان زن و مرد است را جنایتی خوانده است که مستوجب شدیدترین مجازات می‌باشد. سپس بقیه روابطی که از مظاهر غریزه بقای نوع می‌باشند را مباح قرار داده است، به استثنای روابط جنسی؛ مانند: رابطه پدری، مادری، فرزندی، برادری، عمویی و خالویی. برای زنان مجاز گردانیده است تا در تجارت، کشاورزی، صنعت و مشاغل دیگر، در آموزش علم، نماز و حمل دعوت وغیره؛ هم‌چون مردان شرکت نمایند. جز این که اسلام اقدامات احتیاطی داشته و هر آن چه را که منجر به رابطه جنسی غیرشرعی می‌شود و زن و مرد را از نظام ویژه رابطه جنسی خارج می‌نماید، ممنوع ساخته است، اسلام در این ممنوعیت سخت‌گیر بوده، عفت و هر اسلوب و وسیله را که منجر به حفظ فضیلت و اخلاق می‌شود، واجب گردانیده است. زیرا هر آن چه اداء واجبی بر آن موقوف باشد اقدام به آن نیز واجب است.

اسلام در این خصوص احکام خاصی را مشخص ساخته است. این احکام در بسیاری حالات می‌باشند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

حرص این‌که رابطه همکاری بین زن و مرد یک رابطه عام و کلی در حوزه معاملات باشد؛ نه روابط خاصی؛ مانند: تبادلۀ دید و بازدید میان زنان و مردان بی‌گانه و بیرون شدن برای تفریح با سطوح مساویانه همراه مردان. زیرا منظور از این همکاری این است که زنان بتوانند مستقیم حقوق و منافع خویش را به دست آورده و وظایف و مکلفیت‌های خویش را انجام دهند.

هریک از زنان و مردان دستور دارند تا چشمان‌شان را پایین‌اندازند، زنان لباس کامل و مناسبی بپوشند که تمام آن‌چه زینت می‌باشد را پنهان نمایند؛ جز آن‌چه به آشکار ساختن آن مجبور می‌باشند، زنان اجازه ندارند بدون محرم به مسافه‌ای یک شبانه‌روز سفر نمایند. خلوت میان زنان و مردان بدون حضور محرم شرعی ممنوع می‌باشد؛ همان‌طوری‌که زنان اجازه ندارند بدون اجازه شوهر از خانه‌اش بیرون شوند؛ زیرا شوهر حقوقی دارد بر ذمه هم‌سرش، مجاز نیست که زنان از منزل شوهران‌شان بدون اجازه‌شان بیرون شوند؛ اگر زنی بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون شد، از نظر شریعت اسلام گناه کار، نافرمان‌بردار و ناسازگار محسوب شده، مستحق نفقه نمی‌گردد....

با این احکام و سایر احکام دیگر، احتیاط و تلاش اسلام این است که اجتماع زن و مرد، تبدیل به اجتماع جنسی نشده، بلکه کمک خوبی در میدان کسب منافع و انجام کارها باشد، مشکلات ناشی از روابط برگرفته شده از منافع فردی زن و مرد، در زمان اجتماع این دو جنس، به بهترین وجه آن حل شود و همان‌طور حقوق و روابط ناشی از این اجتماع؛ مانند: نفقه، فرزندداری، ازدواج و غیره نیز حل شوند. راه حلی که اجتماع زن و مرد را به رابطه‌ای منحصر می‌سازد که این اجتماع به خاطر آن رابطه ایجاد شده و آن را از رابطه که از اجتماع جنسی برمی‌آید، به دور نگه می‌دارد.

دولت‌های ضرار کنونی، نمی‌توانند اسلام را با احکام بزرگ آن که باعث ریشه‌کن شدن باطل از جامعه و پاک‌سازی آن می‌شود، بر اریکه تطبیق بنشانند؛ زیرا این دولت‌ها خود جنسیت باطل داشته ضرورت به پاک‌سازی زریعه احکام اسلامی می‌باشند. هرچند که حاکمیت‌ها در این دولت‌ها تغییر کنند، این دولت‌ها هم‌چنان از تطبیق اسلام عاجز خواهد بود؛ زیرا این دولت‌ها در اساس‌شان برای تطبیق سکولاریسم بنا یافته و در همین میدان فعال می‌باشند. از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم که در عوض این دولت‌ها، دولت خلافت راشده بر منهج نبوت را بر ما منت بگذارد.

نویسنده: غادة عبدالجبار (ام او اب) _ خرطوم

مترجم: علی مطمئن

2 شبان 1441 ه.ق.

27 مارچ 2020 م.

